

پژوهشی در تحلیل مصداقی «إل یاسین» در آیه ۱۳۰ سوره صافات

مجید چهری*

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول‌الدین، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۱۹)

چکیده

عبارت «ال یاسین» بخشی از یک آیه قرآنی است که فقط یک بار و در آیه ۱۳۰ سوره مبارکه صافات به کار رفته است. مجال تفسیر این آیه با توجه به شرایط ویژه آن، معرکه ارائه و تقابل آرای متفاوت تفسیری است. گروهی از مفسران شیعه بر اساس روایات تفسیری ذیل آیه و اینکه یکی از اسامی پیامبر (ص) «یس» است و احتمالاً برای اثبات فضیلتی برای اهل بیت (ع)، قرائت صحیح آیه را «سلام علی آل یاسین» و مراد از این عبارت را اهل بیت پیامبر (ع) دانسته‌اند که طبیعتاً با این فرض، سلام و درود موجود در آیه، مختص ایشان خواهد بود. اما گروهی دیگر از مفسران شیعه و اکثر مفسران اهل سنت با توجه به قرینه‌هایی مانند قرائت مشهور، شکل ساختاری کلمه و سیاق و سباق، این واژه را شکل دیگری از واژه الیاس و مراد اصلی از آن را خود حضرت الیاس دانسته‌اند. از آنجا که مهم‌ترین دلیل طرفداران صحت قرائت به آل یاسین که مراد از آن اهل بیت (ع) است، روایات تفسیری ذیل آیه می‌باشد که به صورت جامع بررسی و نقد نشده‌اند، در پژوهش پیش رو برای تبیین و دستیابی به مفهوم و مصداق اصلی عبارت «ال یاسین»، با بهره‌گیری از برخی شواهد قرآنی، لغوی و دیدگاه‌های تفسیری، به بررسی و نقد روایات تفسیری ذیل آیه و برخی دیدگاه تفسیری برخی موافقان پرداخته می‌شود و در نهایت، به ضعف و غیر قابل استناد بودن روایات تفسیری و صحت قرائت آیه به صورت ال یاسین که مراد از آن خود حضرت الیاس است، دست خواهیم یافت. در اینکه مفهوم آیه، سلام بر حضرت الیاس باشد، هیچ نفی فضیلتی از اهل بیت (ع) نشده است و «آل یس» بودن اهل بیت (به معنی اهل بیت پیامبر بودن و جایگاه والای ایشان در نزد خداوند) با استناد به برخی دیگر از آیات قرآنی و شواهد روایی به راحتی اثبات می‌شود.

واژگان کلیدی: ال یاسین، یس، آل یاسین، سیاق، اختلاف قرائت.

* E-mail: pm.1364@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم یک قرائت مشهور و نصّ مکتوب دارد که مورد اتفاق عامّه مسلمانان از صدر اسلام تا کنون می‌باشد. تاریخ قرائت، جمع و کتابت قرآن کریم بیانگر وجود اختلاف قرائت در برخی واژگان این متن و حیانی است. اختلاف قرائت مسئله‌ای است که به دلایلی از جمله ضعیف بودن خط و ابزار کتابت، تفاوت لهجه‌های عرب و اختلاف قرآء به وجود آمده‌است. گرچه اختلاف قرائت موجود در برخی از واژگان قرآن کریم به حدی نیست که در و حیاتیّت و اعجاز آن خللی وارد آورد، اما در برخی موارد در اثر توجه ناکافی مفسران، باعث ارائه تفاسیر کاملاً متفاوت و متناقض و گاهی اشتباه شده‌است. قرائت مشهور، توجه به سیاق، واژه‌شناسی و بهره‌گیری از روایات تفسیری از مهم‌ترین لوازم تفسیر به شمار می‌آیند. در تبیین و تفسیر واژگان، اختلاف قرائت وجود دارد که مفسر با مبنا قرار دادن این لوازم، به عملیات تفسیر پردازد. کلمه «ال یاسین» یکی از موارد اختلاف قرائت در عبارت قرآنی II «سَلَامٌ عَلَیْهِ» O (الصافات/ ۱۳۰) است. اختلاف قرائت این آیه از مواردی است که به ارائه تفاسیر متفاوتی از آیه انجامیده‌است و ظاهراً ناشی از نحوه کتابت و قرائت واژه «ال یاسین»، بی‌توجهی به سیاق و برداشت از برخی روایات تفسیری ذیل آیه است. روایات مذکور، به‌ویژه در منابع شیعی، نقش مهمی در این تنوع دیدگاه‌ها داشته‌است. مفاد روایات تفسیری ذیل آیه در تناقض جدی با سیاق، قرائت مشهور و دیدگاه اکثر مفسران فریقین است. پژوهش حاضر، هرچند در مقام حل اختلاف قرائت موجود در آیه نیست، اما درصدد است با استناد به مبانی علمی و قواعد صحیح تفسیری، ضمن تبیین مراد جدی آیه، به بررسی ارزشگذاری و اعتبار روایات تفسیری ذیل آیه و نقش سیاق و قرائت مشهور در تفسیر و تعیین مصداق آیه پردازد.

۱- طرح مسئله

مهم‌ترین مسئله‌ای که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، تلاشی روشمند برای کشف مصداق صحیح کلمه «ال یاسین» در آیه شریفه II «سَلَامٌ عَلَیْهِ» O (الصافات/ ۱۳۰) با استفاده از برخی قراین تفسیری مانند واژه‌شناسی، سیاق و قرائت مشهور است. با توجه به وجود تعدادی روایت تفسیری ذیل این آیه که اکثراً در منابع شیعی نقل شده‌اند، این سؤال مطرح

است که روایات مذکور در چه حدی از اعتبار صدوری، سندی و محتوایی هستند و آیا می‌توانند دلیلی مستند بر صحت قرائت و مفهوم آیه به صورت «سلام علی ال یاسین» به معنی اهل بیت پیامبر^(ع) باشند؟ همچنین، قراین تفسیری تعیین مصداق آیه، مانند واژه‌شناسی، بهره‌گیری از سیاق و قرائت مشهور چه نقشی در کشف تبیین مراد جدی آیه دارند و هماهنگی یا ناهماهنگی این قراین با روایات تفسیری ذیل آیه چگونه تحلیل می‌شود؟

۲- پیشینه پژوهش

آیه ۱۳۰ سوره صافات را می‌توان یکی از بحث‌انگیزترین آیات قرآنی دانست که مفسران مسلمان به بیان مراد جدی آن پرداخته‌اند. دو دیدگاه کلی در تفسیر این آیه مطرح است و علاوه بر اختلافات کلامی، نمی‌توان هر یک از این دو دیدگاه را به صورت مجزا به شیعه یا اهل سنت نسبت داد. اکثر دانشمندان اهل سنت این دیدگاه برخاسته از برخی روایات شیعی را نمی‌پذیرند که دلالت آیه را سلام بر اهل بیت پیامبر^(ع) می‌داند و معمولاً آن را به عنوان یکی از اقوال ضعیف نقل کرده‌اند. اثبات صحت قرائت این آیه به صورت «ال یاسین» لزوماً به معنی صحت تفسیر آن به اهل بیت پیامبر^(ص) نیست و تعداد چشمگیری از مفسران شیعی نیز با دیده تردید و انکار به روایاتی که مراد از واژه «ال یاسین» را «آل یاسین» یعنی اهل بیت پیامبر^(ص) معرفی کرده‌اند، نگریسته‌اند و با دلایلی متقن، مراد آیه را حضرت الیاس دانسته‌اند. نفی فضیلتی از فضایل اهل بیت^(ع) نکته‌ای است که در تعیین دلالت این آیه مطرح است و می‌تواند نوعی نگرانی را برای پژوهشگر شیعی به دنبال داشته باشد. اما قدرت منطق و تفکر شیعی که برخاسته از آموزه‌های قرآن کریم و بیانات گهربار معصومین^(ع) است، به پژوهشگر این مجوز و توان را می‌دهد که معیار عقل و دلایل متقن علمی مستند به قرآن و روایات صحیح را در رد یا اثبات نظریه‌ها به کار گیرد. از این رو، به جرئت می‌توان گفت «نحن ابناء الدلیل حیثما مال نمیل». به همین سبب، باید به این مسئله بدون هیچ تعصب یا جانبداری پرداخته شود تا بتوان راه را برای روشن شدن و فهم بهتر مسئله باز کرد.

در مواجهه نخست با این بحث، داشتن نگاهی جامع به آیه مورد بحث و سایر آیات مرتبط با آن در سوره صافات بسیار مهم است. با نگاهی به این مجموعه آیات، با فضای مباحث مطروحه آشنا می‌شویم و به نوعی با مبنا قرار دادن قراین سیاقی و سباقی این مجموعه آیات به دورنمایی کلی از مفهوم آنها دست می‌یابیم.

در آیات ۷۷ تا ۱۸۲ سوره صافات به اسامی مبارک تعدادی از انبیاء، مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی، هارون، الیاس و مشقات دعوت آنها اشاره شده است و آنگاه بر آنها سلام می‌فرستد: $\text{سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ O}$ (الصافات / ۷۹)؛ $\text{سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ O}$ (الصافات / ۱۰۹)؛ $\text{سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ O}$ (الصافات / ۱۲۰)؛ $\text{سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ O}$ (الصافات / ۱۳۰)؛ $\text{سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ O}$ (الصافات / ۱۸۱).

هرچند در واژه «ال یاسین» اختلاف قرائت هست، اما نکته قابل توجه در این آیات، سیاق مشترک و یکنواختی است که بر این مجموعه آیات سایه افکنده است و به هیچ روی خدشه پذیر نیست و می‌توان با استفاده از همین سیاق، قرائت مشهور و مستندات لغوی، به تبیین دقیقی از آیات و مصداق صحیح عبارت «سلام علی ال یاسین» دست یافت.

۳- اختلاف قرائت

وجود اختلاف قرائت آیه «سلام علی ال یاسین» امری مشهور است و معمولاً در تمام منابع مربوط به قرائت قرآن به آن اشاره شده است. یکی از دلایل اصلی دیدگاه‌ها در تعیین نوع دلالت آیه، همین اختلاف قرائت آن است. نتیجه‌گیری و تعیین مراد جدی آیه نیز تا حدودی بر مباحث اختلاف قرائت مبتنی است. واژه «إل یاسین» جدا از مفهوم و مصداق آن، به سه صورت «إل یاسین»، «آل یاسین» و «الیاسین» روایت شده که شکل ساختاری آن در قرآن کریم، «إل یاسین» است. مشهور آن است که نافع و ابن عامر آن را به صورت «إل یاسین» نقل کرده‌اند. (ر.ک؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱ق: ۳۰۳؛ الفارسی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص: ۶۱؛ ابن الجزری، ۱۴۲۱ق: ۵۲۹ و دمیاطی، ۱۴۲۲ق: ۴۷۵) برخی این واژه را همان واژه «الیاس» دانسته‌اند که به سبب هم‌هنگی واژه با ضرب‌هنگ آخر آیات، یاء و نون به آخر آن اضافه شده است. (ر.ک؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱ق: ۳۰۳ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۲۹ و ۱۳۰) و قرائت ابن مسعود را که آن

را به صورت «ادراسین» نقل کرده است، دلیل دیگری بر صحت این مدعا گرفته اند (ر.ک؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱ق: ۳۰۳).

۴- مفهوم شناسی و کاربرد «الیاس»، «آل» و «یس»

واژه «الیاس» اسمی عبرانی است (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۲۱۶) و برخی اصل آن را «ایلیا» (ر.ک؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۸: ۲۲۶) یا معرب «الیاهو»، «ایلیاه» یا «ایلیاء» دانسته اند (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۲۸). این واژه در قرآن کریم دو بار به صورت الیاس (ر.ک؛ الأنعام / ۸۵ و الصافات / ۱۲۳) و یک بار به صورت ال یاسین (ر.ک؛ الصافات / ۱۳۲) به کار رفته است. منابع مربوط به قرائت قرآن تصریح دارند که ابن مسعود آن را به صورت «ادریس» نقل کرده است (ر.ک؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱ق: ۳۰۳). اما در بیان قرآن کریم، ادریس یکی دیگر از پیامبران الهی است (ر.ک؛ مریم / ۵۶ و الانبیاء / ۸۵) و قطعاً نمی توان دو واژه «الیاس» و «ادریس» را در بیان قرآن کریم، معرف یک شخص دانست.

واژه «آل» مشتق از کلمه «اول» به معنی تقدم و ترتب است و به گروهی که نسب، عنوان یا روش و اعتقاد آنان به شخصی برمی گردد، اطلاق می شود و به آن کلمه اضافه می گردد؛ مانند: آل یعقوب، آل فرعون و ... (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۷۷). برخی محققان نیز آن را برگرفته از واژه «اهل» می دانند؛ چرا که هنگام تصغیر به «اهیل» تبدیل می شود (ر.ک؛ الفارسی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۶۰).

واژه «آل» بیست و شش بار در قرآن کریم به کار رفته که در سیزده مورد به صورت عبارت «آل فرعون» است. از این سیزده مورد، در دوازده مورد، مراد از آن همان معنی لغوی یعنی اهل، عیال و پیروان (در راه و روش و اعتقاد) است. البته در یک مورد به صورت $\text{II} \text{أَوْقَالَ رَجُلٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ...}$ (غافر / ۲۸) آمده است.

واژه «یس» یا «یاسین» نیز یک بار به شکل اول (ر.ک؛ یس / ۱) و یک بار به شکل دوم و به عنوان بخشی از واژه «ال یاسین» (ر.ک؛ الصافات / ۱۳۰) در قرآن کریم به کار رفته است. در آیه اول سوره «یس»، تقریباً اتفاق روایات و دیدگاه دانشمندان بر آن است که یس یکی از اسامی

پیامبر^(ص) است. در این باب، روایتی هم در کافی نقل شده که «یس» را یکی از اسامی پیامبر^(ص) معرفی کرده است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۰).

۵- روایات شیعه

در منابع روایی شیعه، دوازده روایت وجود دارد که در آنها واژه «ال یاسین» به صورت «الیاسین» نقل شده است. با استناد به اینکه یکی از اسامی پیامبر^(ص) «یس» است، این روایات، «ال یاسین» را به اهل بیت پیامبر^(ص) تفسیر کرده اند. روایات شیعه در معنی و تفسیر آیه II سَلَامٌ عَلٰی اِلْ یَاسِیْنَ O را می توان به دو گروه تقسیم نمود: نخست روایاتی که در منابع کم اعتبارتر، مانند کتاب سلیم بن قیس هلالی، تفسیر فرات کوفی، دعائم الإسلام و احتجاج احمد بن ابی طالب طبرسی نقل شده است و دیگر روایاتی که در منابع معتبری از تألیفات شیخ صدوق، مانند عیون اخبار الرضا^(ع)، أمالی و معانی الأخبار آمده اند که به سادگی خدشه پذیر نیستند.

۱-۵ کتاب سلیم

در حدیث هشتم و دوم کتاب سلیم بن قیس هلالی، وی از حضرت علی^(ع) نقل می کند که «یاسین» اسم پیامبر و ما اهل بیت نیز همان کسانی هستیم که خداوند در باب آنها می فرماید: II سَلَامٌ عَلٰی اِلْ یَاسِیْنَ O (ر.ک؛ الهلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۹۴۶).

۲-۵ تفسیر فرات کوفی

در تفسیر فرات کوفی نیز دو روایت در تأیید ال یاسین بودن اهل بیت^(ع) با استناد به آیه II سَلَامٌ عَلٰی اِلْ یَاسِیْنَ O نقل شده است. در روایت نخست، فرات کوفی به صورت معنعن از ابن عباس نقل می کند که مراد از «ال یاسین»، آل محمد^(ص) است. روایت دوم نیز همان روایتی است که از کتاب سلیم بن قیس هلالی نقل شد و از نظر گذشت (ر.ک؛ کوفی، ۱۴۱۰ق: ۳۵۶).

۳-۵ دعائم الإسلام

در کتاب دعائم الإسلام نیز حدیثی نسبتاً طولانی و جامع که به بیان ویژگی‌های آل پیامبر و مستندات قرآنی بر اینکه مراد از «ال یاسین» اهل بیت پیامبر هستند، آمده است (ر.ک؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۲۹-۳۱). مؤلف، روایت را از امام جعفر صادق^(ع) نقل کرده که شخصی از ایشان درباره «آل محمد» سؤال می‌کند. حضرت در پاسخ، «آل محمد» را «اهل بیت» ایشان دانسته‌اند و آنگاه به بیان برخی دیگر از فضایل اهل بیت^(ع) پرداخته‌اند. امام^(ع) در پایان روایت می‌افزایند: «خداوند در قرآن می‌فرماید: II سَلَامٌ عَلٰی اٰلِ یَاسِیْنٍ O که یاسین، محمد است و ال یاسین، اهل بیت ایشان هستند.

بررسی

این روایت روایتی جامع است که به بیان دقیق مشخصات اهل بیت پیامبر و مراد از آیه ۱۳۰ سوره صافات با مستندات قرآنی پرداخته است. اما درباره مؤلف کتاب و شیوه نقل سند این روایت نکته‌هایی وجود دارد. نخستین موردی که باعث پذیرفته نشدن روایت می‌گردد، شیوه نقل آن است که به صورت «رؤینا: روایت شده‌ایم» است و سندی برای آن متصور نیست. به همین سبب، نمی‌توان بر آن اعتماد کرد. مؤلف نیز از بزرگان فرقه اسماعیلیه است و کتاب دعائم الإسلام از مهم‌ترین و کهن‌ترین منابع فقهی و روایی این فرقه به شمار می‌آید و با استناد به سایر قراین، مانند سیاق، سباق و قرائت مشهور آیه، نمی‌توان این روایت را پذیرفت.

۴-۵) الإحتجاج علی أهل اللجج

احمد بن ابی طالب طبرسی، مؤلف الإحتجاج، درباره آیه ۱۳۰ سوره صافات روایت قابل تأملی را نقل می‌کند؛ بدین صورت که امیرالمؤمنین^(ع) در احتجاج بر یکی از زندیقان که قرآن را در بر گیرنده تناقض می‌داند، اشاره‌ای هم به آیه ۱۳۰ سوره صافات نموده‌اند. آن حضرت^(ع) در ادامه روایت می‌فرمایند: همین گونه است سخن خداوند متعال که فرمود II سَلَامٌ عَلٰی اٰلِ یَاسِیْنٍ O. خداوند در قرآن کریم، پیامبر را یس نامیده‌است و مستقیم نگفته است سلام بر آل محمد؛ چراکه خداوند عالم بود به اینکه دشمنان این عبارت را از قرآن حذف می‌کنند، همان

گونه که موارد مشابه آن را حذف کردند! «لِعَلِمِهِ بِأَنَّهُمْ يُسْقِطُونَ قَوْلَ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَسْقَطُوا غَيْرَهُ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱: ۲۵۳).

بررسی و نقد

با استناد به عبارت «کما اسقطوا غیره» در این روایت که در تقابل مستقیم با قرآن کریم است، به هیچ وجه نمی‌توان آن را پذیرفت. این عبارت تصریح دارد که در قرآن کریم تحریف رخ داده‌است! اگر ما این روایت را بپذیریم، هم تحریف قرآن را پذیرفته‌ایم و هم دلیل محکم و موجهی را به دست دشمنان شیعه در متهم ساختن شیعه در قول به تحریف قرآن داده‌ایم. این روایت همگام با ادله قائلان به حذف نام ائمه از قرآن به کار گرفته شد. البته این نکته به معنی مخدوش دانستن تمام روایت نیست؛ چراکه بخشی از روایت، یعنی عبارت «کما أسقطوا غیره» مردود است، اما توضیح قبل از آن را یعنی استناد به نام پیامبر در قرآن به عنوان «یس» و اینکه مراد از «ال یاسین»، آل پیامبر هستند، اگر با دلایل و مستندات دیگری غیر از آیه ۱۳۰ سوره صافات، به اثبات برسد، می‌توان پذیرفت.

علامه عسگری این روایت را ذیل عنوان «روایات لا أصل لها» معرفی نموده‌است و معتقد است که طبرسی این روایت را بدون اینکه برای مخاطبان هیچ گونه سندی را ذکر کند، به بازیچه گرفته‌است (ر.ک؛ عسگری، ۱۴۱۶ق.، ج ۳: ۱۵۲).

گروه دوم روایات شیعی، روایاتی است که یکی از محدثان متقدم و بنام شیعه، یعنی شیخ صدوق نقل می‌کند. شیخ صدوق شخصیتی است که هیچ تردیدی در عظمت و وثاقت او نیست. وی از جمله عالمانی است که قرائت آیه ۱۳۰ سوره صافات را به صورت II سَلَامٌ عَلَى إِلِ يَاسِينَ O به معنی سلام بر اهل بیت پیامبر اسلام (ص) صحیح دانسته‌است. شیخ صدوق جمعاً شش روایت نقل کرده که با استناد به آنها، مراد از آیه ۱۳۰ سوره صافات را سلام بر آل پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت ایشان می‌داند. در واقع، مهم‌ترین نقطه معرکه تقابل دو دیدگاه، به‌ویژه میان محققان شیعی، در تبیین مراد جدی از آیه II سَلَامٌ عَلَى إِلِ يَاسِينَ O، تقابل قراین قطعی درون قرآنی با روایات شیخ صدوق است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۵-۵) معانی الأخبار

به جرئت می‌توان گفت مستندترین منابع روایی که به بیان روایات تفسیری ذیل آیه ۱۳۰ سوره صافات پرداخته‌اند، کتاب‌های معانی الأخبار، أمالی و عیون أخبار الرضا^(ع) از شیخ صدوق است. صدوق در معانی الأخبار، ذیل بابی با عنوان «باب معنی ال یاسین» پنج روایت را می‌آورد که تصریح می‌کند مراد از «ال یاسین»، اهل بیت پیامبر^(ع) هستند. در این روایات، وی قرائت آیه را به صورت «ال یاسین» آورده که نشانگر صحت این نوع قرائت در نزد اوست.

۱- در روایت نخست، کلبی از اَبی صالح، از ابن عباس نقل می‌کند که مراد از آیه II سَلَامٌ عَلٰی اِلْ یَاسِیْنِ O، سلام از جانب پروردگار جهانیان بر محمد و آل او و صحت و سلامت برای دوستان آنها تا روز قیامت است.

۲- روایت دوم را شخصی به نام کادح (قادح) از امام صادق^(ع) از پدارنشان، از امام علی^(ع) نقل می‌کند که در تفسیر آیه می‌فرماید: «یاسین، محمد^(ص) و ما آل یاسین هستیم».

۳- در روایت سوم، حکم بن ظهیر از سندی از اَبی مالک، تفسیر آیه را نقل کرده‌است که یاسین، محمد و ما آل یاسین هستیم.

۴- در روایت چهارم، کلبی از اَبی صالح، از ابن عباس تفسیر آیه را نقل کرده که II سَلَامٌ عَلٰی اِلْ یَاسِیْنِ O، یعنی سلام بر آل محمد^(ص).

۵- پنجمین روایتی که شیخ صدوق آورده، نقل جریانی بین ابو عبد الرحمن سلمی و عمر بن خطاب است. عمر بن خطاب در حال قرائت آیه II سَلَامٌ عَلٰی اِلْ یَاسِیْنِ O بود که ابو عبد الرحمن می‌گوید: ال یاسین، آل محمد^(ص) هستند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ۱۲۲-۱۲۳). صدوق روایت دوم، سوم و چهارم را به همان صورت در أمالی نیز نقل کرده‌است (ر.ک؛ همان، ۱۳۷۶: ۴۷۲).

بررسی

روایت اول و چهارم از ابن عباس نقل شده است و به معصوم بر نمی گردند. افزون بر این، در سلسله سند روایت نخست، کلبی از ابي صالح از ابن عباس نقل می کند که برخی این سلسله را خدشه دار می داند و آن را ضعیف ترین طریق نقل از ابن عباس معرفی کرده اند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۴۷۱). روایت دوم را نیز شخصی به نام کادح (قادح) از امام صادق^(ع) نقل کرده که هر چند او را از اصحاب امام صادق^(ع) معرفی نموده اند، اما ظاهراً شخصی ضعیف (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۲۷۵ و خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴: ۱۰۲) و مجهول است و در سایر کتب رجالی شیعه، خبری از او نیست و مردد بین سه شخصیت (کادح بن رحمة زاهد، کادح بن جعفر و کادح بن نصیر) است. لذا نمی توان به روایت وی اعتماد نمود. اما برخی محققان برای دستیابی به تأیید شخصیت ضعیف و مجهول این راوی، دست به دامان منابع رجالی اهل سنت شده اند (ر.ک؛ شاهی و کوهساری، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۴). روایت پنجم نیز نقل یک جریان تاریخی و در نهایت، دیدگاه ابو عبدالرحمن سلمی است. بررسی ها نشان می دهد شیخ صدوق تنها یک روایت را از معصوم نقل می کند که سند آن خدشه جدی دارد. روایات دیگر نیز به نقل از معصوم نیستند و نهایتاً در حدّ نقل یک دیدگاه تفسیری از صحابه، به ویژه ابن عباس است. با توجه به اینکه تفسیر ابن عباس اهمیت ویژه ای دارد، اما در باب این بحث، دیدگاه وی در حدّی نیست که بر سیاق آیات غلبه داشته باشد. با این بررسی، هیمنه اعتباری روایات به هم می ریزد و از قابلیت استناد خارج می شوند.

۵-۶) عیون أخبار الرضا^(ع)

صدوق در کتاب دیگر خود، معانی الأخبار، به ذکر روایتی دیگر از امام رضا^(ع) در باب این آیه می پردازد. در این روایت، ابن صلت نقل می کند امام رضا^(ع) در مجلسی که مأمون تشکیل داده بود و تعدادی از علمای خراسان و عراق نیز در آن جمع بودند، حاضر شدند و فرمودند مرا خبر دهید که مراد از واژه «یس» در قرآن چیست؟ همه پاسخ دادند مراد از یس، محمد^(ص) است و هیچ کسی در آن شک ندارد.

در ادامه روایت، امام^(ع) این امر را فضیلتی وصف ناشدنی برای پیامبر و اهل بیت ایشان دانسته اند و می فرمایند خداوند در قرآن به غیر از انبیاء به هیچ کس دیگری سلام نفرستاده

است و در میان انبیاء نیز تنها به آل پیامبر سلام فرستاده است و فرموده: **II سَلَامٌ عَلٰی اٰلِ یَاسِیْنِ O**.

شیخ صدوق در ادامه به نقل اقوالی در معنی واژه یس و ال یاسین پرداخته است و از جمله نقل می کند که مراد از یس، پیامبر و ال یاسین، اهل بیت پیامبر هستند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۳۷).

نکته مهم در این روایت، نحوه کتابت «آل یس» از زبان امام^(ع) است که به صورت «آل یس» کتابت شده است. علامه عسگری نیز در بررسی این روایت، علی بن الحسین بن شاذویه و جعفر بن محمد مسرور دو تن از روایان سلسله سند این روایت را مجهول الحال می داند (ر.ک؛ عسگری، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۶۳۰). علاوه بر این، پذیرش این روایت، مشروط به توجه نکردن به سیاق و پذیرش قرائت غیرمشهور آیه است.

۵-۷) نهج الحق و کشف الصدق

علامه حلی یکی دیگر از بزرگان شیعه در کتاب خود، نهج الحق و کشف الصدق، روایت منقول از ابن عباس یا همان دیدگاه تفسیری وی در تفسیر آیه را آورده که مراد از عبارت قرآنی «ال یاسین»، آل محمد^(ص) است (ر.ک؛ حلی، ۱۹۸۲م: ۲۰۶).

بررسی

نکته قابل تأمل در نقل این روایت، اشتباه فاحشی است که به دست حاشیه نویس کتاب (فرج الله حسینی) رخ داده است؛ چراکه وی در حاشیه روایت مذکور، در مقام تأیید دیدگاه ابن عباس از سوی دانشمندان اهل سنت، ادعا می کند آنان این روایت را در کتاب های معتبر خود آورده اند و به عنوان مثال، به کتبی مانند تفسیر کبیر، شواهد التنزیل، در المنثور، الصواعق المحرقة، روح المعانی و... اشاره می کند که بررسی آنها از نظر می گذرد.

۵-۷-۱) تفاسیر روایی شیعه

تقریباً تمام روایاتی که از نظر گذشت، در برخی تفاسیر روایی شیعه، مانند *تفسیر الصافی*، *البرهان فی تفسیر القرآن و نور الثقلین* آمده است. این مفسران بر مبنای دیدگاه و روش تفسیری خود با تأکید بر صحّت دلالت روایات، مراد از «ال یاسین» را در این آیه، «ال یاسین»، یعنی اهل بیت پیامبر^(ص) دانسته اند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۲۸۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۴: ۶۲۴-۶۲۷ و عروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۵۳۲). هر چند برخی از آنان سایر اقوال مربوط به آیه را که مستند به سیاق و شواهد لغوی هستند نیز بدون قضاوت ذکر کرده اند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۲۸۲). همان گونه که در بررسی روایات از نظر گذشت، دیدگاه مفسران فوق که در مقام تأیید روایات است، متکی به مبانی علمی نبوده است و اشکالات فراوانی بر آنها وارد است.

۵-۷-۲) روایات اهل سنت

۵-۷-۲-۱) حاکم حسکانی

علاوه بر آنچه که از دیدگاه دانشمندان اهل سنت در سطور پیشین از نظر گذشت، در منابع روایی اهل سنت، این تنها حاکم حسکانی است که به نقل جامع و مستقل روایات مربوط به این آیه و هماهنگی با منابع شیعی پرداخته است. وی در کتاب خود، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ذیل آیه ۱۳۰ سوره صافات هفت روایت می آورد که مراد از عبارت «ال یاسین»، «آل یاسین» یعنی اهل بیت پیامبر^(ص) است. او نیز مانند شیخ صدوق در ابتدای بحث، شکل قرائت آیه به صورت «ال یاسین» را با استناد به قرائت نافع و ابن عامر آورده که این امر بیانگر تأکید او بر قرائت آیه به صورت «ال یاسین» است.

۵-۷-۲-۲) بررسی

ممکن است روایاتی را که حاکم نقل کرده است، بیشتر دانشمندان اهل سنت نپذیرند و به آن وقعی ننهند؛ چراکه اولاً بنا بر شواهد موجود، حاکم گرایش های شیعی داشته است، تا جایی که شیخ آقابزرگ طهرانی کتاب وی را در زمره تألیفات شیعه به حساب آورده است (ر.ک؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۴: ۲۴۲-۲۴۳). ثانیاً هفت روایتی را که حسکانی نقل

کرده (ر.ک؛ حسکانی، شواهد ۱۴۱۱ق.، ج ۲: ۱۶۵-۱۶۹)، همان روایات موجود در منابع شیعی است. چهار روایت نقل از ابن عباس بوده که تقریباً همگی مضمون مشترکی دارند و اعتبار آنها در حد یک دیدگاه تفسیری از صحابه است. از دو روایت دیگر، یکی همان روایت مشهور از کادح از امام صادق (ع) و دیگری روایت معنعن فرات از ابن عباس است که اشکالات آنها از نظر گذشت. روایت آخر نیز از سدی از ابی مالک نقل شده است که آن هم در حد یک دیدگاه تفسیری است.

۵-۷-۲-۳) نقد یک ادّعا

در نقد ادعای حاشیه‌نویس نهج‌الحق، علامه حلّی، لازم به ذکر است که استنادهای شواهد التنزیل که از نظر گذشت، همان روایات شیعه است و حاکم و کتاب او، شواهد التنزیل، به دلیل گرایش‌های شیعی، به عنوان منابع معتبر و قابل مراجعه‌ای برای اهل سنت به شمار نمی‌آیند. فخر رازی و آلوسی نیز روایت مذکور را به عنوان یک قول ضعیف نقل کرده‌اند و در نهایت، با بیانی مستدل آن را مخالف با سیاق دانسته و نپذیرفته‌اند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۶: ۳۵۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۲: ۱۳۵). در نهایت، سیوطی نیز روایتی را از ابن عباس آورده است که در تفسیر آیه می‌گوید: «ما آل محمد ال یاسین هستیم» (سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۵: ۲۸۶-۲۸۷). علاوه بر اینکه روایت مذکور یک دیدگاه تفسیری است، بر آن دو اشکال دیگر نیز وارد است. نخست آنکه سیوطی آن را به عنوان آخرین نقل بعد از نقل قول‌های متعدد در باب حضرت الیاس آورده است و این نکته نشان از ضعف روایت در نزد وی دارد. دوم آنکه بنا بر تفسیر مورد قبول موافقان، ال یاسین منحصر در اهل بیت می‌باشد و ابن عباس با وجود عظمت شأن خود، از این دایره بیرون است.

ابن حجر هیشمی نیز این روایت را نقل نکرده است و تنها به نقل از فخر رازی که به عبارت «سَلَامٌ عَلَی ال یاسین» استناد نموده است و می‌گوید: «اهل بیت پیامبر (ص) در چند زمینه با ایشان برابر هستند که یکی از آن موارد، سلام است» (ابن حجر هیشمی، بی تا: ۱۷۸).

با استنادهای فوق، واضح است که دانشمندان اهل سنت به هیچ وجه در مقام تأیید قرائت آیه به صورت II **سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ** O نبوده‌اند که مراد از آن، اهل بیت پیامبر (ص) باشد.

در منابع روایی فریقین، حدود ده تا دوازده روایت (که اکثراً از منابع شیعی است)، نقل شد که صراحتاً اهل بیت پیامبر (ص) را «ال یاسین» معرفی نموده‌است و در اکثر آنها، این معرفی به آیه ۱۳۰ سورة صافات مستند شده‌است. جای هیچ شکمی نمی‌ماند که روایات تفسیری ذیل آیه، علاوه بر نقدهای سندی و برخی اشکالات محتوایی، در تقابل آشکار با قراین قطعی، مانند سیاق، سباق و قرائت مشهور هستند و قابل استناد نیستند. علاوه بر این، در تقابل ادله و شواهد قطعی درون قرآنی با شواهد برون قرآنی، برای دستیابی به مراد جدی خداوند، ترجیح دادن شواهد درون قرآنی می‌تواند در اولویت استناد قرار گیرد. هرچند برخی از محققان معاصر سعی در توجیه صحت استناد به این روایات در قرائت آیه به صورت «ال یاسین» و اهل بیت پیامبر اسلام (ص) بودن مراد واژه داشته‌اند (ر.ک؛ شاهدی و کوهساری، ۱۳۹۰: ۳۳-۵۴).

۳-۵-۷ دیدگاه برخی مفسران اهل سنت

بزرگان مفسران اهل سنت در تفاسیر خود مشروحاً و با استناد به مبانی علمی، مانند واژه‌شناسی، سیاق و قرائت مشهور، به گونه‌ای منطقی و بدون جانب‌داری به این بحث پرداخته‌اند و تقریباً عموم مفسران اهل سنت، مراد آیه را حضرت الیاس می‌دانند که ذیلاً به اهم این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.

۳-۵-۷-۱ طبری

طبری از اقدم مفسران و محدثان اهل سنت، دیدگاهی جامع و مستدل در تعیین مصداق و شیوه صحیح قرائت این آیه دارد. وی با استناد به قواعد ادبیات عرب، نقل‌های مربوط به قرائت آیه و قراینی مانند سیاق، به تفسیر آیه پرداخته‌است. وی قرائت عموم قرآء مکه، بصره و کوفه را «ال یاسین» می‌داند و معتقد است که الیاس پیامبر به دو اسم «الیاس» و «ال یاسین» مانند «ابراهیم» و «ابراهام» نامیده می‌شده‌است. سپس وی با استناد به سیاق و محتوای مجموعه آیات که آل هیچ یک از پیامبران در آنها ذکر نشده‌است، مراد از واژه «ال یاسین» را خود حضرت

الیاس و قرائت صحیح آیه را «سلام علی ال یاسین» می‌داند. طبری با استناد به قرائت ابن مسعود که آیه را به صورت «سلام علی إدرا سین» قرائت می‌کرده، این قرائت را دلیل واضحی بر خطا بودن تبیین مراد آیه به «سلام علی آل محمد» و قرائت آیه به صورت «سلام علی ال یاسین» دانسته است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲۳: ۶۱ و ۶۲).

۷-۳-۲) ثعلبی

وی ابتدا به اختلاف قرائت موجود در این آیه پرداخته است و قرائت آیه را به گونه‌ای که مراد از آن حضرت الیاس باشد، هماهنگ‌تر با سیاق دانسته است و در پایان، قولی را از فراء نقل کرده که واژه ال یاسین را جمع و به معنی الیاس و پیروان او می‌داند (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق.، ج ۸: ۱۶۹).

۷-۳-۳) زمخشری

زمخشری که به عنوان مفسری ادیب شناخته می‌شود، با توجه به انتظاری که از وی می‌رفت، به صورت کامل و شامل به تفسیر آیه پرداخته است. او نیز با ذکر اشکال متفاوت واژه «الیاس» و «ال یاسین» مراد از واژه را خود حضرت الیاس دانسته است. وی معتقد است دلیل کسانی که آیه را به صورت «ال یاسین» خوانده‌اند، این است که یاسین نام پدر الیاس بوده و آل به آن اضافه شده است (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۴: ۶۰).

۷-۳-۴) قرطبی

وی نیز الیاس را یکی از پیامبران بنی اسرائیل و نام دیگر وی را به نقل از ابن مسعود ادریس می‌داند. سپس قرطبی به نقل قرائت‌های مختلف واژه «ال یاسین» پرداخته است و از قول ابن جنی که کلمات یاسین، الیاس و ال یاسین را یکی دانسته، این تفاوت‌ها را عادی و به دلیل غیرعربی بودن واژه دانسته که در هنگام ورود به زبان عربی به صورت‌های گوناگون نقل شده است (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۱۱۵).

وی اقوال بسیاری را در صحّت شیوة قرائت ال یاسین می آورد و به عبارت های قرآنی Π طُورِ سَيْنَاءَ O (المؤمنون/۲۰) و Π وَطُورِ سَيْنِينَ O (التین/۲) استدلال نموده که ال یاسین ال یاسین نیز دو وجه یک کلمه اند. سپس قرطبی با نقل روایت مشهور ابن عباس که ال یاسین را آل محمد^(ص) معرفی کرده است، بر این قول و دلایل صحّت آن اشکال می گیرد. اولاً مخالفت با سیاق کلام است که نمی شود آیه را با استناد به یک قول ضعیف از سیاق و مقصود اصلی خود خارج کرد. ثانیاً از دیدگاه وی، «یس» از حروف مقطعه است و نحوه دلالت و اقوال متفاوت در این باب نشان می دهد که حتی در برخی موارد، به عنوان اسم پیامبر معرفی نشده است (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۱۲۰ و ۱۲۱).

۵-۳-۵-۷ فخر رازی

وی معتقد است درباره واژه ال یاس در آیات مذکور دو قول وجود دارد. یکی اینکه ابن مسعود آن را ادریس قرائت کرده، معتقد است ال یاس همان ادریس است. دوم دیدگاه عکرمه است که او نیز نظر ابن مسعود را دارد. اما اکثر مفسران متفق هستند که ال یاس یکی از پیامبران بنی اسرائیل از نسل هارون، برادر حضرت موسی^(ع) است.

فخر رازی در ادامه اقوالی را در بیان مراد آیه آورده است که عبارتند از:

- ۱- مراد از ال یاس، ال یاس بن یاسین، و ال یاس به معنی ال یاسین است.
- ۲- مراد از ال یاسین، آل محمد^(ص) است.
- ۳- یاسین اسم قرآن است و مراد این آیه، سلام و درود بر هر کسی است که به کتاب خدا ایمان آورده است.

در نهایت، وی قول نخست را به این دلیل که آن را به سیاق کلام نزدیکتر می داند، پذیرفته است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۶: ۳۵۵). برخی دیگر از مفسران اهل سنت نیز به عنوان یک قول ضعیف، ال یاسین را آل محمد^(ص) دانسته اند (ر.ک؛ خازن بغدادی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۲۷).

۷-۵-۳-۶) آلوسی

آلوسی هم در تفسیر این آیه دیدگاهی جامع دارد. وی تأکیدی ویژه بر بهره‌گیری از قاعدهٔ سیاق و سباق در تبیین مراد جدی این آیه کرده‌است و «ال یاسین» را شکل دیگری از واژهٔ الیاس و شباهت آن دو را مانند دو واژهٔ «سیناء» و «سینین» می‌داند که در این آیات به دلیل نظم آهنگ پایان آیات، به صورت «ال یاسین» به کار رفته‌است. وی بر آن است که ال یاسین به این صورت و در شکل جمع به کار رفته‌است تا بر الیاس و پیروانش دلالت داشته باشد؛ مانند واژهٔ «مهلبین» که بر مهلب و قوم او دلالت دارد. آلوسی این دیدگاه را که مراد از «ال یاسین»، «الیاسین» به معنی پیروان الیاس باشد، نپذیرفته‌است؛ چراکه معتقد است سیاق مجموعهٔ آیات مربوطه، بیانگر ذکر نشدن آل هیچ یک از پیامبران است.

وی با نقل چند دیدگاه دیگر، مانند «یاسین» اسم پیامبر است و ال یاسین، آل پیامبر هستند و یا اینکه یاسین، اسم قرآن است و ال یاسین، امت محمدی یا خواص آن، آنها را به دلیل مخالفت با سیاق و سباق آیات مورد بحث رد می‌کند (ر.ک؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲: ۱۳۵).

برخی دیگر از مفسران معاصر اهل سنت نیز واژهٔ «ال یاسین» و قرائت‌های متفاوت آن را نوعی تصرف در شکل علم واژهٔ «ایلیا» در اسامی علم غیرعربی دانسته‌اند (ر.ک؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق.، ج ۸: ۲۲۶).

ظاهراً عمدهٔ دلیل مفسران اهل سنت در اینکه مراد از این آیه، حضرت الیاس است، سیاق آیات، قرائت مشهور و قراین لغوی در تعیین ریشه و شکل ساختاری واژه است. آنان روایاتی را که واژه را به صورت ال یاسین که مراد از آن آل محمد باشد، یا نقل نکرده‌اند و یا اگر هم نقل کرده‌اند، به صورت یک قول ضعیف دانسته‌اند و آن را نپذیرفته‌اند. برای مفسران اهل سنت، برخلاف برخی مفسران و محدثان شیعه، این نکته قابل هضم و پذیرش نیست که این آیه مانند آیهٔ تطهیر در میان این آیات جا داده شده باشد تا از دستبرد منحرفان مخالف فضایل اهل بیت در سلامت بماند.

۷-۵-۴ دیدگاه برخی مفسران شیعه

۷-۵-۴-۱ شیخ طوسی

وی نقل قول‌های متفاوت لغوی و تفسیری و روایی مربوط به شکل ساختاری کلمه را آورده است، اما ظاهراً تأکید وی بر صحّت قرائت به صورت ال یاسین است که مراد از آن آل محمد می‌باشد. وی هیچ اشاره‌ای به سیاق و ناهماهنگی این دیدگاه با سیاق و شکل ساختاری کلمه نکرده است و معتقد است هر کس آیه را به صورت ال یاسین قرائت کرده، با توجه به اینکه «یس» یکی از اسامی محمد است، مراد از آن را آل پیامبر دانسته است. نحوه چینش نقل قول‌ها در تفسیر تبیان هم اشاره به همین نکته دارد. سپس وی با استناد به آیه II إِيَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ O (الصافات/۱۲۸)، آل محمد را مهم‌ترین مصداق بندگان مخلص خدا می‌داند (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ۵۲۳-۵۲۵).

شیخ طوسی با اینکه احاطه ویژه‌ای بر روایات شیعه دارد و با وجود اینکه وی حداقل به ده تا دوازده روایت مربوط به این آیه دسترسی داشت، اما هیچ اشاره‌ای به این روایات نکرده است و در تفسیر آیه نیز هیچ بهره‌ای از روایات نبرده است. شاید بتوان این نوع برخورد شیخ طوسی با روایات ذیل آیه را ضعیف و غیرقابل استناد بودن این روایات در نزد وی دانست. واضح است که دیدگاه شیخ طوسی را در تعیین مراد از واژه ال یاسین که برخلاف سیاق و قرائت مشهور است و یا حتی پشتوانه روایی هم ندارد، نمی‌توان پذیرفت.

۷-۵-۴-۲ طبرسی

تأکید طبرسی بر صحّت قرائت آیه به صورت «ال یاسین» است و با اشاره به روایت ابن عباس، مصداق ال یاسین را اهل بیت پیامبر^(ع) می‌داند. وی به اختلاف قرائت آیه اشاره می‌کند که ابن عامر، نافع و رويس، کلمه را به صورت «ال یاسین» و باقی قراء به صورت «الیاسین» قرائت کرده‌اند و قرائتی شاذ هم از سوی ابن مسعود، یحیی، اعمش و حکم بن عینه

نقل شده که در آن، قرائت آیه به صورت «سَلَامٌ عَلٰی إِذْرَاسِین» آمده است. اَبی‌محصن و اَبی‌رجا نیز «الیاس» و «الیاسین» را بدون همزه قرائت کرده‌اند.

طبرسی در ادامه، در توجیه قرائات فوق، سخن ابوعلی را آورده که می‌گوید: «هر کس به صورت «ال‌یاسین» قرائت کرده، دلیل او این است که در مصحف، «یاسین» جدای از «آل» نوشته شده است. این نوع کتابت بیانگر این نکته است که «آل» همان است که تصغیر آن «اهیل» است. در ادامه، وی روایت مشهور ابن عباس در تفسیر این آیه را آورده است و یاسین را نیز یکی از اسامی پیامبر^(ص) معرفی کرده است. طبرسی در نهایت، می‌افزاید هر کس آیه را به صورت «ال‌یاسین» قرائت کرده، مراد آیه را حضرت الیاس و پیروان او می‌داند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۷۱۲ و ۷۱۳).

طبرسی هر چند به شکلی نسبتاً جامع به بررسی اختلاف قرائت آیه پرداخته است، اما دیدگاه وی خالی از جانب‌داری و بهره‌نگرفتن از اصول و قواعد تفسیری نیست؛ چرا که وی با ذکر یک نقل قول تفسیری از ابن عباس، سیاق و قرائت مشهور آیه را به کلی نادیده می‌گیرد.

۷-۴-۳ علامه طباطبائی

ایشان عمده بحث این مجموعه آیات را به طرح مسائل مربوط به حضرت الیاس، ویژگی‌های قوم او و مشقات دعوت ایشان به خداپرستی اختصاص داده‌اند. در پایان، وی با ذکر روایتی از امام صادق^(ع) به نقل از حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «یس، رسول خداست و آل یس ما هستیم» و نیز با اشاره به اینکه در کتاب *عیون أخبار الرضا^(ع)* نیز روایتی نظیر این روایت نقل شده است، دو روایت مذکور را به شرطی صحیح می‌داند که آیه به صورت «ال‌یاسین» قرائت شود، همان گونه که نافع، ابن عامر، یعقوب و زید قرائت کرده‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۱۵۸-۱۵۹).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، علامه طباطبائی عمده بحث این مجموعه آیات را بر طرح مسائل مربوط به حضرت الیاس اختصاص داده است و با اشاره‌ای کوتاه و مشروط به مبانی صعب‌الوصول، روایاتی را که مراد از «ال‌یاسین»، «آل‌یاسین» باشد، صحیح می‌دانند.

۷-۵-۴) علامه عسگری

علامه عسگری از محققان پرکار معاصر، تعداد هیجده نقل مربوط به این آیه (اعمّ از روایت یا نقل قول تفسیری) را آورده است و با بررسی سندی و دلالتی، میزان اعتبار آنها را تبیین نموده است و در نهایت، هیچکدام را نمی پذیرد. وی معتقد است حاصل نقل های مربوط به آیه این است که «ال یاسین» و «یاسین» اسم پیامبر بوده است و «آل یاسین»، آل محمد^(ص) هستند. سپس وی با نقدهایی مانند در حد قول تفسیری بودن یا اشکالات قابل توجه سندی از جمله مجهول بودن افراد واقع در سند و یا اشکالات محتوایی برخی دیگر از روایات، در مقام تأیید به نقل دیدگاه تفسیری تعدادی از مفسران پرداخته که مراد از واژه «ال یاسین» را خود حضرت الیاس دانسته اند (ر.ک؛ عسگری، ۱۴۱۶ق.، ج ۳: ۶۲۶-۶۳۲).

۷-۵-۴) علامه مصطفوی

کلمه «إلیاسین» مانند واژه «إسرائین» یک کلمه است و آن یکی از وجوه واژه «الیاس» است. در اینجا یاء و نون به سبب حفظ نظم آهنگ پایان آیات و به دلیل تجلیل و تعظیم به آن اضافه شده است و بر کسی پوشیده نیست که در تلفظ حرف «س»، «یاء و نون» اضافه شده است و به صورت «سین» قرائت می شود؛ مانند کلمه «یس» که به صورت «یاسین» تلفظ می گردد.

همچنین، وی اقوالی که قرائت کلمه «ال یاسین» را به صورت «ال یاسین» که مراد از آن این باشد که اسم پدر حضرت الیاس، یاسین بوده است و یا قولی را که یاسین را در این آیه، رسول الله^(ص) دانسته اند، به کلی ضعیف و سست می داند (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۲۹-۱۳۰).

برخی دیگر از مفسران معاصر نیز در تعیین مصداق آیه با علامه مصطفوی هم نظر هستند و با استناد به قرینه سیاق و ذکر نام پیامبرانی مانند نوح، ابراهیم، موسی و هارون در آیات پیشین، در این آیه نیز مقصود واژه «ال یاسین» را خود حضرت الیاس دانسته اند (ر.ک؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق.، ج ۶: ۳۵۴).

طریحی نیز معنی واژه «ال یاسین» را الیاس و اهل او دانسته است و با استناد به دیدگاه برخی بزرگان، احتمال هم معنی بودن دو واژه الیاس و ال یاسین را مانند دو واژه میکال و میکائیل ذکر کرده است. همچنین، وی به قرائت آیه به صورت «سَلَامٌ عَلَی ال یَاسِین» نیز اشاره نموده است و آن را به معنی «سلام بر حضرت محمد و اهل بیت ایشان» دانسته است (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۲۵-۱۲۶).

۷-۵-۴) مکارم شیرازی

در این تفسیر، تأکیدی بر اینکه مراد از «ال یاسین» آل یاسین باشد، دیده نمی شود و تمام مستندات آن که مراد از آیه را اهل بیت پیامبر می داند، به گونه ای نمی پذیرد. در این تفسیر، تقریباً به همه روایات و اقوال پیشین ذیل آیه اشاره شده است. مؤلف در تفسیر این آیات، تأکید ویژه ای بر سیاق آیات، برای دستیابی به مراد جدی آنها دارد و روایات تفسیری ذیل آیه را به دلیل نقد سندی و مخالفت مضمون آنها با سیاق و قرائت مشهور، به صورت غیرمستقیم نپذیرفته است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۱۳۹-۱۴۶).

۷-۵-۵) بررسی

ظاهراً مؤلف قرائت این واژه به صورت «الیاسین» را صحیح می داند؛ چراکه در همه موارد بحث از این عبارت، آن را بدین شکل آورده است. همچنین، در این تفسیر، مسیر تفسیر مستدل آیه، هماهنگ با آیات قبل به خوبی طی شده است. اما مفسر در پایان بحث در باب دلالت و صحت روایات، نظر خود را به صراحت بیان نکرده است. با اینکه هر مفسری با آن مبانی و اصول فکری که دارد، باید بتواند در نهایت، بحث را جمع بندی کند و یا حتی اگر روایتی نادرست به نظر می آید، حکم به رد آن بدهد.

با مراجعه ابتدایی به سیاق و سباق آیات مورد بحث که از نظر گذشت، درمی یابیم که این آیات سخن از تعدادی از پیامبران، یعنی نوح، ابراهیم، موسی و هارون دارد و به مشقات رسالت آنها اشاره کرده اند و بر آنها سلام می فرستند. از این قراین فهمیده می شود که ظهور

مجموعه آیاتی که به بحث درباره حضرت الیاس می پردازند نیز در باب حضرت الیاس است و این مسئله نکته‌ای نیست که نیاز به جستجو و ادله فراوانی داشته باشد.

۶-۵-۷) زیارت آل یاسین

یادآوری می شود علاوه بر روایاتی که از نظر گذشت، یکی از زیاراتی که مجلسی در *بحار الأنوار* (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص: ۸۱-۸۳) می آورد، به «زیارت آل یاسین» مشهور شده است. وی این زیارت را از احتجاج طبرسی نقل می کند و با جستجویی که صورت گرفت، این روایت در منابع روایی پیش از احتجاج طبرسی وجود ندارد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۹۲-۴۹۵). ابن مشهدی (ف. ۶۱۰ ق.) هم متن زیارتی را شبیه همان که طبرسی در احتجاج آورده است، در *المزار الکبیر* خود به نقل از حمیری می آورد (ر.ک؛ ابن مشهدی، *المزار الکبیر*: ۵۶۷-۵۷۳). اما آنچه اکنون مشهور است، زیارت منقول از احتجاج طبرسی است. البته ما قصد ورود به تحقیق و بررسی در باب صحت سند زیارت آل یاسین را نداریم، اما آنچه مشهود است اینکه متن این زیارت که با عبارت «سلام علی آل یاسین» شروع می شود، نمی تواند به عنوان دلیل و مستندی برای صحت قرائت آیه ۱۳۰ صافات به صورت «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» به معنی سلام بر اهل بیت پیامبر^(ص) باشد.

به تصریح منابع روایی فریقین، یاسین یکی از اسامی مبارک پیامبر اکرم^(ص) در قرآن کریم است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۰؛ خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۸؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۲۵۸). بنابراین، آل یاسین، اهل بیت پیامبرند که در آن جای هیچ خدشه‌ای نیست. اما ضرورتی ندارد که برای اثبات صحت قرائت آیه به صورت «ال یاسین»، میان این آیه و زیارت آل یاسین ارتباط وثیقی برقرار نماییم و با پذیرش مبانی غیرعلمی، متحمل تکلف شویم و آل یاسین بودن اهل بیت را از آیه ۱۳۰ سوره صافات اثبات کنیم، همان گونه که برخی محققان این مسیر را به نادرستی طی کرده‌اند (ر.ک؛ شاهدی و کوهساری، ۱۳۹۰: ۳۳-۵۴).

نتیجه گیری

جمع‌بندی مباحثی که از نظر گذشت، به‌خوبی نمایانگر صعوبت تبیین مفهومی و مصداقی آیه ۱۳۰ سوره صافات است؛ چراکه نتیجه‌گیری قطعی برای محقق شیعی در تقابل میان قرائت مشهور، سباق و سیاق آیات از یک طرف و روایات تفسیری ذیل آیه که ظاهری مستند دارند، از سوی دیگر است. بهره‌گیری از سیاق و قرائت مشهور، دو قاعده اساسی از قواعد تفسیر می‌باشند. بررسی‌ها و مستندات می‌دهد که از نظر گذشت، نشان می‌دهد دیدگاهی که با استناد به سیاق، قرائت مشهور و مبانی واژه‌شناسی، قرائت صحیح آیه را «ال یاسین» و این واژه را یکی دیگر از وجوه واژه الیاس و مراد آن را خود حضرت الیاس می‌داند، صحیح به نظر می‌رسد. روایات تفسیری ذیل آیه نیز با فرض صحت قرائت آیه به صورت «ال یاسین»، علاوه بر اینکه اکثر آنها در حد یک دیدگاه تفسیری از برخی صحابه بوده‌اند و دلالت قوی بر ادعای برخی مفسران ندارند. به دلیل وجود اشکالات متعدد سندی و محتوایی، عدم صدور اکثر آنها از معصومین^(ع) و مخالفت با سیاق و قرائت مشهور، قابل استناد نیستند. مفهوم رایج «ال یاسین» به معنی اهل بیت پیامبر^(ص) که می‌تواند یکی از فضایل اهل بیت^(ع) به شمار آید، از عبارت قرآنی «سلام علی ال یاسین» قابل استخراج نیست. در پایان، یادآوری می‌شود که نباید با استناد به هر گونه روایت ضعیف و قرائت غیر مشهور، خود را به تکلف انداخت تا فضیلتی را برای اهل بیت^(ع) ثابت نمود؛ چراکه چنین تلاشی می‌تواند نتیجه عکس دهد و سایر فضائل حقیقی اهل بیت^(ع) در قرآن کریم را نیز تحت الشعاع قرار داده، شیعه را متهم به تفسیر قرآن بدون مبانی علمی و چنگ زدن به هر گونه تلاش بی‌حاصل برای اثبات فضایل اهل بیت نماید.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. چ ۱. تحقیق علی عبدالباری عطیه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق.). *عیون أخبار الرضا^(ع)*. تصحیح مهدی لاجوردی. چ ۱. تهران: نشر جهان.

_____ (۱۴۰۳ق.). **معانی الأخبار**. تصحیح علی اکبر غفاری. چ ۱. قم: دفتر

انتشارات اسلامی.

ابن الجزری، ابو الخیر محمد بن محمد. (۱۴۲۱ق.). **تعبیر التیسیر فی القراءات**. چ ۱. الاردن: دار الفرقان.

ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد. (بی تا). **الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع والزندقه**. تهران: بی نا.

ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق.). **دعائم الإسلام**. تصحیح آصف فیضی. چ ۲. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

ابن خالویه، ابو عبدالله حسین. (۱۴۲۱ق.). **الحجۀ فی القراءات السبع**. چ ۱. بیروت: مؤسسه الرسالة.

ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق.). **المزار الكبير**. تصحیح جواد قیومی اصفهانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). **لسان العرب**. چ ۳. بیروت: دار صادر.

بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق.). **البرهان فی تفسیر القرآن**. چ ۱. قم، بنیاد بعثت.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق.). **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**. تحقیق شیخ

محمد علی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود. چ ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد. (۱۴۲۲ق.). **الكشف و البیان عن تفسیر القرآن**. چ ۱. بیروت:

دار احیاء التراث العربی.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق.). **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**. مصحح محمد باقر

محمودی. چ ۱. تهران: ناشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع احیاء الثقافة

الإسلامیة.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۹۸۲م.). **نهج الحق و كشف الصدق**. حاشیه نویس فرج الله حسینی. چ ۱.

بیروت: دار الكتاب اللبنانی.

خازن بغدادی، علاء الدین علی. (۱۴۱۵ق.). **لباب التأویل فی معانی التنزیل (معروف به تفسیر**

خازن). تصحیح محمد علی شاهین. چ ۱. بیروت: دار الكتب العلمیة.

- خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۴۱۹ق.). *الهدایة الكبرى*. بیروت: البلاغ.
- خوئی، ابوالقاسم. (م ۱۴۱۳ق.). *معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*. قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة.
- دمیاطی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق.). *اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر*. بیروت: دار الكتب العلمیة.
- زمخشري، محمود. (۱۴۰۷ق.). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چ ۳. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ق.). *الإتقان فی علوم القرآن*. چ ۲. بیروت: دارالكتاب عربی.
- _____ . (۱۴۰۴ق.). *الدر المشهور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاهدی، روح الله و سید اسحاق کوهساری. (۱۳۹۰). «شناخت نامه زیارت آل یاسین». *مجلة انتظار موعود*. س ۱۱. ش ۳۴. صص ۳۳-۵۴.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق.). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. تصحیح محمد باقر خراسان. چ ۱ . مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۳. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، ابو جعفر محمد. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۱. بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. تحقیق سید احمد حسینی. چ ۳. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- _____ . (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- طهرانی، آقا بزرگ. (۱۴۰۳ق.). *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*. ط ۳. بیروت: دار الأضواء.
- عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. چ ۴. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عسگری، سیدمرتضی. (۱۴۱۶ق.). *القرآن الکریم و روایات المدرستین*. چ ۲. تهران: مجمع علمی اسلامی.
- الفارسی، ابوعلی الحسن. (۱۴۱۳ق.). *الحجة للقراء السبعة*. چ ۲. دمشق / بیروت: دارالمأمون للتراث.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد. (۱۴۲۰ق.). *مفاتیح الغیب*. چ ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر الصافی*. تحقیق حسین اعلمی. چ ۲. تهران: انتشارات الصدر.
- قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ق.). *محاسن التأویل*. تحقیق محمد باسل عیون السود. چ ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *تفسیر قرطبی الجامع لأحكام القرآن*. چ ۱. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق.). *تفسیر فرات الکوفی*. تصحیح محمد کاظم. چ ۱. تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار؛ الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. چ ۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق.). *تفسیر الکاشف*. چ ۱. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چ ۱. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ق.). *اسرار آل محمد*. تصحیح محمد انصاری زنجانی خوئینی. چ ۱. قم: الهادی.





پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ